

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سایت میشل کولن  
برگردان از: حمید محوی  
۲۱ جنوری ۲۰۱۳

## دوسیه کشور "مالی": صدای بی صدایان

۲

**مالی در التهاب دردناک: بررسی توسط تاهيرو باه**

انوستیگ آکسیون به شکل انحصاری سخنرانی نویسنده مالی "تاهيرو باه" را پیرامون بحران مالی منتشر می کند. تاهيرو باه از اهالی سگو، شهری که خاصه به دلیل مقاومتش شهرت دارد. او عضو دفتر سیاسی حزب چپ مالی است (اتحاد افریقا برای دموکراسی و استقلال). او روی موضوع مالی خیلی فعال است و به ویژه کتاب «مالی: روندی دائمی» را به رشته تحریر آورده است و جهان سیاست را در مالی به دقت نشان می دهد.



(۱) میراث مارچ ۱۹۹۱ (قیام مردمی علیه موسی تراوره)، و برقراری دموکراسی،

و تعدد احزاب در مالی

میراث مارچ ۱۹۹۱ به مردم مالی تعلق دارد. بن مایه مردم، شیوه بیان مبارزاتشان برای دموکراسی، استقلال، حاکمیت مردم، ناامیدی ها و شکست هایشان است. هر فرد از اهالی مالی در اعمال، افکار و احساساتش، و حتا در

مخالفت‌هایش چیزی به این تحرک عمومی افزوده است. این میراث دموکراتیک به عموم مردم مالی تعلق دارد و هیچ کس حق ندارد این سرمایه را از آنها بگیرد و یا از آن خود دارد و یا آن را به فراموشی بسپارد...

مطمناً، مانند هر تحول تاریخی، ظهور دموکراسی در مالی طی سال ۱۹۹۱ پیش قراولان، مبلغان و پیشگامان خاص خود را داشته است. ولی چنین امری به هیچ عنوان نفی پدرخواندگی بازیگران اصلی آن یعنی مردم مالی نیست.

مارچ ۱۹۹۱ نمی تواند توسط هیچ کس ر بوده شود و علیه هیچ کس به کار برده شود. مارچ ۱۹۹۱ اکنونی را تعریف می کند که باید با گذشته پیوند زده شود، زیرا مردم تنها در پذیرش مسئولیت خودشان بالغ و بزرگ هستند، با هر عقیده ای (خوب یا بد) که بتوانیم درباره آن داشته باشیم. تاریخ حوادث مارچ ۱۹۹۱ یک آموزش است. چنین تاریخی سرنوشت مردم مالی را در آرزومندیهایشان برای آزادی و نیل به پیشرفت، مبارزه شجاعانه، پیروزیها، شکست ها، تضادهای سیاسی و اجتماعی نشان می دهد، و به همینگونه بازنمایی مرزهایی است که واقعیت بر آنها تحمیل می کند.

ایجاد دموکراسی در کشور مالی به سال ۱۹۹۱ باید ما را به فکر وادارد و تا جایی که می توانیم برای درهم نوردیدن افق های دورتر از آن درس بیاموزیم.

## ۲) کودتای دانمی «امدو تومانی توره» (ا ت ت) علیه مردم مالی ATT - Touré Amadou Toumani

مردم پس از مبارزات طولانی علیه حکومت دیکتاتوری از سال ۱۹۶۸، سرانجام پس از ۲۳ سال مبارزه حکومت جنایتکار خون ریز و جنایتکار اقتصادی ژنرال موسی تراوره را سرنگون کردند. کودتای سرهنگ دوم «امدو تومانی توره» (مخفف به آ ت ت)، شب ۲۵ مارچ ۱۹۹۱، واکنشی بود از سوی جناح ارتجاعی و فرصت طلب ارتش برای پشت پا زدن به خیزش مردمی و میهن پرستانه، و موجب شد که منطق و روند کودتای دائمی و پی در پی علیه مردم مالی و نمایندگان به حق آنها رواج پیدا کند. در نتیجه، «امدو تومانی توره» طی مارچ ۱۹۹۱ به قهرمان تقلبی تبدیل شد. او را در اشکال آرمانخواهانه معرفی کردند و رسانه ها تا سر حدت مسخرگی در بازنمایی او پیش رفتند.

در واقع اگر چه «امدو تومانی توره» (با چاقویی که زیر گلویش گذاشتند) پس از انتخابات عمومی ۱۹۹۲، قدرت را به غیر نظامیان تحویل داد، ولی برای هر مشاهده گر آگاهی روشن بود که این جریان یک شعیده بازی سیاسی- نظامی چیز بیشتری نیست، ابتداء در کوتاه مدت طبقه سیاسی حریصی را به قدرت رساند تا نخبگان وابسته و معامله گر (کمپرادور) جدیدی را ایجاد کند، و سپس راه بازگشت «امدو تومانی توره» برای بازسازی قدرت او را هموار سازند.

بر این اساس، فکر می کنم که مالی از این تاریخ با ریتم و آهنگ کودتاهای پی در پی زندگی می کند که توسط نخبگان سیاسی نظامی با دقت طراحی شده است.

از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲، برگزیدگان نظامی سیاسی تبهکار تمام اموال دولت را به نفع خودشان از آن خود ساخته اند: حسابهای بانکی، ویلا، باغ، اتومبیل لوکس، کاخ: لوکس مطلق، و در عین حقوق اجتماعی و فرهنگی مردم ما را به جویبار انداختند...

## ۳) باز سازی

کاندیدای مستقل «امدو تومانی توره» که با کلاهبرداری انتخاب شد دو هدف بزرگ داشت :

۱- ترمیم اعتبار شخصیت های قدیمی نظام دیکتاتوری

۲- تحکیم کودتای دائمی اش علیه مردم مالی.

بر این اساس بود که با شوخی و مسخرگی برای راه گم کردن، هدایت کشور را به دست گرفت. اقتصاد کشور را به زانو درآورد، و سپس دست گذاشت روی انبار سلاح های قدیمی ارتش مالی که قویاً به دلیل تنظیمات ساختاری و نظریات مشاوران نظامی فرانسوی و امریکائی در حال رکود به سر می برد. با داروی جادویی سازشکاری، مجلس ملی با اکثریت حاکم باند چپاولگران کشور «امدو تومانی توره» در مورد این کاریکاتور مسخره دموکراسی شوخ طبعی خاصی داشت، و آن را الگو و نمونه می دانست. طی ده سال، این آقا، برای پاسخگوئی به طرح های سیاهش، و با پشتیبانی طبقه سیاسی روشنفکری حریص، تمام قدرت را به انحصار خودش درآورد و دموکراسی را به بند کشید و هر صدای معترضی را هر چند مختصر به سکوت واداشت.

#### ۴) اصلاحات قانونی امدو تومانی توره به سال ۲۰۱۲

اگر فردی علیه مالی کودتا کرده باشد، نامش «امدو تومانی توره» است. در واقع پس از فرامین، تلاش های نامیدانه برای سومین مجوز قانونی برای انتخاب ریاست جمهوری، «امدو تومانی توره» «نابغه جهان اسرار» حرف آخر خود را زده بود. نمی دانم از کجا و شاید با همکاری یارانش، فرمول جادویی «همآهنگ سازی مجوز» را پدید کرد. از این پس کاملاً روشن بود که اصلاحات او مالی را مستقیماً به سوی چهارمین جمهوری هدایت می کند و عملاً آن را در دوران گذاری قرار می دهد که نام اصلی خودش را معرفی نمی کند. بر این اساس «امدو تومانی توره» می توانست از دو سال «همآهنگ سازی» یعنی دو سال بیشتر ماندگار شدن در پست ریاست جمهوری برخوردار شود، زیرا مجوز مجلس ملی را دو سال افزایش دادند، و ریاست جمهوری نیز تا ۲۰۱۴ تمدید شد تا با مجوز نمایندگان شهرداری همآهنگ شود (یادآوری کنیم که بر اساس قوانین انتخاباتی در مالی، انتخابات شهرداری دو سال پس از انتخابات ریاست جمهوری و قانونگذاری برگزار می شود).

در واقع، مردم مالی، تا اینجا در مقابل غلتک و خیانت بسیاری از رهبران تشکلات سیاسی که هرگز به آراء و نظریات عمومی مراجعه نکرده اند به شکل منفعل باقی ماندند و نمی توانستند این شربت جادویی را برای هذیان گوئی بیشتر بنوشند.

به همین علت بود که سازمان های دموکراتیک از هر دار و دسته ای که بودند پیرامون «انجمن به قانون اساسی من دست نزن» جمع شدند تا جلوی این جریان را بگیرند.

#### ۵) شورش کولی های طوارق یا جعبه جادویی



تا اینجا همهٔ امور بر وفق مراد «امدو تومانی توره» پیش رفته بود. ولی اصلاحات قانون اساسی به هیچ عنوان نمی توانست تحقق یابد. مردم مالی راه را بر این اصلاحات بستند، در نتیجه چه باقی می ماند به جز باز کردن در جعبهٔ جادویی یعنی شورش کولی های قوم طوارق، بزرگترین جراحات کشور ما.

وقتی بحران لیبیا به تاریخ فبروری ۲۰۱۲ شروع شد، خود «امدو تومانی توره» صراحتاً جوانان قوم طوارق را تشویق می کرد که به مبارزان مدافع قذافی بپیوندند، که به عبارتی مالی را تحت قیومیت خود داشت. علاوه بر این به احتمال قوی «امدو تومانی توره» با القاعدهٔ مغرب اسلامی در تماس بوده، زیرا رهبر فعلی گروه تروریستی انصار دین، «لیاد علی» (۱) که «کیدال» و «تومبوکتو» را تصرف کرده است، همان سفیر قدیمی مالی در عربستان سعودی است که توسط خود «امدو تومانی توره» برگزیده شده بود.

می دانیم که «لیاد علی» به خاطر قاچاق مواد مخدر و رابطه با اسلامگرایان از عربستان سعودی اخراج شده بود، و در عین حال می دانیم که هواپیمای انباشته از کوکائین که در وسط صحرای مالی فرود آمده بود، «امدو تومانی توره» هیچ واکنشی نشان نداد، و به خاطر همین موضوع صدای تمام نیروهای دموکراتیک در مالی به خشم آمده بودند و باز هم می دانیم و منابع مطمئنی به ما گزارش دادند که پیلوت هواپیمای فرود آمده به خاطر خدماتش از سوی «امدو تومانی توره» ارتقاء درجه گرفته و به پاس همین خدمات به مقام فرمانده در بطن نیروهای هوایی مالی برگزیده شده است. بر این اساس من فکر می کنم که «امدو تومانی توره» در شمال مالی قاچاق مواد مخدر به راه انداخته بوده است.

پس از سقوط قذافی، صدها جوان طوارقی با اسحه و تجهیزات به مالی بازگشتند. «امدو تومانی توره» با شکوه خاصی از آنها استقبال به عمل آورد، به آنها پول داد، ولی آنها را خلع سلاح نکرد. هدف او ایجاد هرج و مرج در شمال مالی بود، و تصور می کرد که می تواند آن را تحت نظارت خود بگیرد و بر این اساس مانع انتخابات شود. ولی جریان به شکل دیگری رویداد، زیرا جنبش رهانیبخش ملی «آزواد» (۲) با بنمایهٔ سیاسی تر و ساختاری منسجم تر از تمام شورشهای پیشین، خیلی زود پیشی گرفت و ابعاد وسیعی را پوشش داد. برای آشنائی بیشتر با تصویر حقیقی ژنرال «امدو تومانی توره» (که خود را کارشناس ماهر جنگی معرفی می کرد، دائماً به مالی ها درس می داد و یادآوری می کرد که او جنگ دیده است و می داند از چه چیزی حرف می زند و به عنوان ژنرال و مأمور قدیمی سازمان ملل متحد برای حفاظت از صلح در افریقای مرکزی...) بد نیست بدانیم که این آقا سربازان تازه وارد ارتش مالی را بی هیچ آموزش معنی داری و بی هیچ تجربه ای و بی آن که با شرایط آب و هوایی صحرا عادت داشته باشند، به جبههٔ شمال کشور می فرستاد. در نتیجه می توانیم صراحتاً بگوئیم که ژنرال «امدو تومانی توره» با آگاهی تمام به نتایج چنین وضعیتی این سربازان جوان و بی تجربه را به قصاب خانه می فرستاد. سربازان جوان به دام شورشیان طوارقی می افتادند و از سوی دیگر تروریست ها به تلافی دست بسته سربریده می شدند.

تصاویر سربازان تحقیر شده از طریق شبکه های اجتماعی و تلفون همراه از جبهه به دست ما می رسید. «امدو تومانی توره» سعی می کرد با پرت و پلاگویی در تلویزیون ملی «مالی» موضوع را خفه کند، او حتی در اشکال سر بسته مردم را تهدید می کند که واکنشی نشان ندهند. اهالی مالی (در فقری که به سر می برند به دلیل سیاست چپاول داری های ملی، خصوصی سازیها، اخراج ها، بی کاری، بزهکاری و بسته شدن مدارس و فقدان بهداشت عمومی) با مرگ در روحشان، پس از سخنرانی تلویزیونی «امدو تومانی توره» که هیچکس به جز خودش و همسرش را قانع نکرد، احساس کردند که با تمام فقری که به آنها تحمیل شده در شرافت ملی شان نیز مورد تهاجم قرار گرفته اند.

فردای این نمایش تلویزیونی، هزاران زن، مادر، خواهر و فرزندان سربازان اردوی کاتی (از جایی که کودتای ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ حرکت کرده بود)، قربانیان سیاست ماکیاوولیک، و مناسبات رئیس جمهورشان با شورشیان طوارقی و تروریست ها، با پشتیبانی مردم باماگو به سوی کاخ ریاست جمهوری راهپیمایی کردند. «امدو تومانی توره» یک بار دیگر برد واقعه را به حداقل تعبیر کرد و آن را «جنبش احساسی» تلقی نمود.

«امدو تومانی توره» یک نمایش تلویزیونی هالیوودی دیگر با شرکت همسران سربازان راه اندازی کرد... یک بار دیگر طرحش با شکست مواجه شد و نمایش هالیوودی که او کارگردانی می کرد به دادگاه عمومی خود «امدو تومانی توره» تبدیل شد که میلیونها نفر از اهالی «مالی» به تماشای پخش مستقیم آن نشستند بودند.

همسران سربازان صراحتاً «امدو تومانی توره» را مسؤول و متهم به تمام مشکلات و دردها و رنجها دانستند :

«امدو تومانی توره»، می گویند که شما سر دسته حقیقی شورشیان هستید؟

«امدو تومانی توره»، می گویند که شما شورشیان را از موضع گیری و حرکات بیگان های نظامی ما مطلع می سازید؟

«امدو تومانی توره»، می گویند که شوهران ما در ارتش به اندازه کافی غذا نمی خورند و گرسنگی می کشند؟

«امدو تومانی توره»، می گویند که در جبهه به اندازه کافی مهمات به سربازان ما نمی رسد، چون که شما از ارسال مهمات امتناع می کنید؟

«امدو تومانی توره»، می گویند شما از صادر کردن فرمان حمله و تیراندازی خودداری می کنید؟

(«امدو تومانی توره» به شکل مستقیم در پخش تلویزیون ملی «مالی» اتهامات دیگری را نیز باید متحمل می شد) در نتیجه، برای هر تماشاگری کاملاً روشن بود که قدرت به خاک افتاده است و می تواند توسط اولین کاندیدائی که شهادت پا پیش گذاشتن را داشته باشد، باز پس گرفته شود، این کاری بود که «کمیته ملی اصلاحات دموکراتیک و بازسازی دولت» به تاریخ ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ بدان تحقق بخشید، و آن کسی را که خود را فناپذیر تصور می کرد از قدرت بیرون راند.

#### ۶) بازسازی دموکراسی در «مالی»

در مصاحبه ای با روزنامه لوموند، گفتم : «کودتای ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ رؤیای مردم مالی بود که نظامیان آن را به واقعیت تبدیل کردند» در این مورد کمی دورتر توضیح خواهم داد...

۲۹ اپریل ۲۰۱۲، مردم «مالی» خودشان را برای انتخاب رئیس جمهور جدید آماده می کردند تا این که «امدو تومانی توره» خیانتکار جعبه جادویی اش را باز کرد یعنی شورش طوارق را به راه انداخت، و طبیعتاً تصور می کرد که می تواند آن را تحت کنترل خود بگیرد. دیگر هیچ کس صدایش در نمی آمد و انتخابات را نیز فراموش

کردند. بر این اساس، عملاً و فوراً مالی در خلأ حقوقی و قانون اساسی سقوط کرد، یعنی وضعیتی که می توانست تنها به نفع سیاستهای «امدو تومانی توره» تمام شود. با وجود روشن بودن چنین وضعیتی مثل آب روان روی صخره، «امدو تومانی توره» با ریاکاری دائماً اعلام می کرد که انتخابات برگزار خواهد شد، ولی عملاً واقعیت به شکل دیگری بود: زیرا چگونه کشوری که در وضعیت جنگی به سر می برد و بخشی از سرزمین در تصرف شورشیان طواری به سر می برد، می تواند انتخابات آزاد و شفاف برگزار کند؟

به همین علت و به دلیل بحران در شمال «مالی»، صداهایی برای به تعویق انداختن انتخابات برخاست. در واقع، «امدو تومانی توره» هیچ شانسی نداشت، نه برای انتخاب شدن (برای سومین بار) و نه تمدید و تداوم بخشیدن به مجوز قانونی اش، بر این اساس، کارت شمال را برای بی ثبات سازی مالی به بازی گرفت، یعنی کارت شیطانی که با خشونت تمام علیه مردم «مالی» به کار بست.

داشت موفق می شد، ولی مردم مالی (می خواهم بگویم، اکثریت خاموش و قربانیان سیاستهای ماورای قبر چپاولگران حریص سیاسی نظامی از دوران سقوط دیکتاتور در مارچ ۱۹۹۱)، و جناح میهن دوست و جمهوری خواه ارتش توانستند از خون ریزی جلوگیری کنند و حرکت رهایی بخش ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ را راه اندازی کنند و به بزرگترین رژیم جنایتکار تاریخ کشور ما خاتمه دهند. به همین دلایل است که «امدو تومانی توره»، همانگونه که کاپیتان «امدو حیا سانوگو» رئیس «کمیتة ملی اصلاحات دموکراتیک و بازسازی دولت» اعلام کرده است، باید در برابر دستگاه دادگستری کشور ما پاسخگوی خیانتهایش باشد.

## ۷) انقلاب ۲۲ مارچ ۲۰۱۲

از دیدگاه فروتنانه ما، باید چیزها را با نام آنها نامید. ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ یک حرکت رهانبخش است و می خواهد موجب تحول «مالی» (کشور مالی) شود... این انقلاب دو موضوع اساسی را مطرح می کند:

۱) ترمیم دموکراسی

۲) بازسازی دولت قانونی.

در واقع، در مقدمه جوهر اصلی دموکراسی خودمان را توضیح دادم که هیچ کس حق ندارد آن را از ما بگیرد یا مدعی پدرخواندگی آن شود. جوهر اصلی دموکراسی ما در مبارزه مردم ما بوده که از دوران بسیار قدیم علیه برده داری، استعمار و رژیم دیکتاتوری آغاز شده است.

امروز، برای همه روشن است که «امدو تومانی توره» و هوادارانش دموکراسی را از مردم ربودند، و آن را از محتوا تهی ساخته و جسد بی جان آن را به مردم «مالی» تحویل دادند. با دروغها و مسخره گیهایش به هوش و ذکاوت و مبارزات ما توهین می کند. به پشتیبانی اربابان امپریالیستش (بنیاد جیمی کارتر، بنیاد ژرژ سوروس، لوژهای فرانماسونیک و شیطانی)، هیچ کس شهادت مخالفت ورزیدن با او و طرح های مخربش را نداشت، به استثناء چند صدای نادر در بیابان. «امدو تومانی توره» دولت «مالی» را نابود کرد و دموکراسی را نیز از بین برد.

## ۸) عوامل خارجی بحران کشور «مالی»

برای شناخت بحران کشور «مالی» می توانیم به چند عامل خارجی نیز اشاره کنیم که مهمترین آنها ایالات متحده و فرانسه هستند.

**ابتداء ایالات متحده.** برای تحکیم و تقویت حاکمیت جهانی خود، ایالات متحده می خواست در شمالی «مالی» پایگاه نظامی ایجاد کند، نه تنها برای تداوم به اصطلاح مبارزه علیه تروریسم، بلکه برای تقویت حضور نظامی در این منطقه جغرافیای ستراتیژیک که به گفته کارشناسان اهمیت درجه یک را دارا می باشد. ولی به مدد فشار جریان های اجتماعی و برخی احزاب سیاسی، «امدو تومانی توره» نتوانست به این درخواست ایالات متحده آمریکا پاسخ مثبت بگوید. ولی روشن است که «امدو تومانی توره» همواره برای اجرای چنین طرحی تلاش کرده است. از سوی دیگر فرانسه حضور نظامی ایالات متحده را در منطقه تحت نفوذش به چشم تردید می نگریست. برای تنبیه کشور «مالی»، امریکائی ها هرگز ضعف های «امدو تومانی توره» را نبخشیدند. به همین علت، و فراسوی اعلامیه های تبلیغاتی، محکوم کردن ها، ایالات متحده دست القاعده شاخه مغرب اسلامی را باز گذاشتند، و هرگز هیچ کمکی را برای «مالی» جایز ندانستند که فعالانه و عملاً علیه شورشیان طوارقی و تروریست های اسلامگرا وارد مبارزه شده بود.

**فرانسه :** در تداوم نفی برخی توافقات، یک بار دیگر به دلیل هوشیاری سیاسی مردم «مالی» و پشتیبانی های محافل بین المللی، فرانسه از سال ۲۰۰۶ با «مالی» به شکل قهرآمیزی رفتار می کرد.

#### ۹) مسأله گروگانهای فرانسوی و القاعده مغرب اسلامی

شش فرانسوی در بیابانهای «مالی» توسط القاعده شاخه مغرب اسلامی دستگیر شدند. بین این خطوط بی هیچ تردیدی می توانیم بگوئیم که در بیانیه های پی در پی توسط رهبران فرانسوی که بیشتر نگران هم وطنان خود هستند تا زندگی چهارده میلیون از اهالی «مالی» و ثبات این کشور فقیر. بر این اساس فرانسه همیشه قاطعانه مانع «امدو تومانی توره» شده است که برای حفظ جان گروگانها، علیه طوارقی ها و تروریست های القاعده شاخه مغرب اسلامی واقعا نجنبند. زیرا القاعده شاخه مغرب اسلامی، در گذشته و در عملیات نظامی ناموفق فرانسه برای نجات یک گروگان فرانسوی، تردیدی در کشتن گروگان فرانسوی به خود راه ندادند.

خلاصه مطلب : بین تمایلات امپراتوری امریکا، منطقه نفوذی فرانسه، زندگی گروگان های فرانسوی، حضور اسلامگرایان، گروه های شورشی مسلح، بلندپروازی های خود «امدو تومانی توره» برای حفظ قدرت، و ارتش «مالی» که به دلیل مشاورتهای نظامی امریکا و فرانسه قطعه قطعه شده، مردمی که به حال خود رها شده اند، چه چیزی به جز بحرانی که امروز مشاهده می کنیم و از هم گسیختن شیرازه کشور می توانست از مالی باقی بماند؟

#### ۱۰) اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای غربی

سندیکای رؤسای دولتهای غیر قانونی که به نام مردم افریقای غربی تصمیم می گیرند و عمل می کنند، با تحریم «مالی» (در سطح اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک) پس از کودتای ۲۲ مارچ ۲۰۱۲، کاری نکرد به جز شعله ورتن ساختن آتش علیه مردمی که پیش از این جراحت عمیقی بر آنها وارد آمده بود. موضع گیری اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای غربی به روشنی به ما نشان می دهد که به فرمان فرانسه و ایالات متحده امریکا عمل کرده است...

از چه زمانی این اتحادیه برای دموکراسی و دولت قانونی اظهار نگرانی می کند؟

از چه زمانی این اتحادیه برای تمامیت ارضی «مالی» یا یکی از اعضایش اظهار نگرانی می کند؟

این اتحادیه کجا بود وقتی که «امدو تومانی توره» قانون اساسی را برای حفظ قدرت خودش دستکاری می کرد؟

این اتحادیه کجا بود وقتی که سربازان جوان «مالی» توسط گروه های تروریستی سر بریده می شدند و شکمشان را پاره می کردند؟

از آنجائی که درد و رنج مردم «مالی» کافی نبود، از آنجائی که تحقیری را که «مالی» متحمل شده بود کافی نبود، می بایستی که اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای غربی نیز به نیابت قدرتهای امپریالیستی، تمامی یک ملت را به مرگ تدریجی محکوم کند. اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای غربی، با اعلام تحریم هایش، در واقع علیه مردم «مالی» اعلام جنگ کرده است.

ظرف یک هفته پس از اعلام تحریم، دیگر به بیمارستانهای «باماکو» (پایتخت مالی) برق نرسید، نتیجه چنین تحریمی مرگ صدها بیمار بود که دیگر امکان درمان برای آنها وجود نداشت. شرکتهای تجاری کوچک عملکردشان متوقف شد، بهای اجناس حیاتی به اوج رسید، نبود بنزین، دارو، بانکها دیگر اعتباری نداشتند، دوایر اداری به کندی کار می کردند، تجارت متوقف شده بود، صورتهای در هم کشیده و شکمهای خالی، تلخی و فشار روزمره روی تمام چهره ها قابل رؤیت بود، از حال و روزگار امور داخلی کشور چه می توانیم بگوئیم، روستاها و روستا نشینانی که اکثریت خاموش را تشکیل می دهند گیج و منگ شده اند، تمام شرایط فراهم آمده تا «مالی» را در جنگ داخلی و برادرکشی صد ساله غرق کند. زنان و مردان مالی! دوران سختی فرا رسیده است، نبوغ ما را به مبارزه طلبیده اند، شرافت انسانی ما را لگد مال کرده اند. زمان آن فرا رسیده است که یک صدا حرف بزنیم، از شکافها و اختلافها عبور کنیم و در خیزشی ملی برای مردمی یگانه، هدفی یگانه، اعتقادی یگانه به پا خیزیم.

### اطلاعات تکمیلی مهم :

با توجه به وخامت اوضاع، نه فرصت آن را داشتم و نه روحیه مناسبی که این تأملات را منتشر کنم، زیرا به کندی و بر اساس فرصتهائی که داشتم می نوشتم. صدها نامه الکترونیک از تمام دنیا برایم می فرستادند و از من می خواستند که دیدگاهم را درباره کشورمان توضیح دهم. نمی خواستم فوراً واکنش نشان دهم و دیدگاهی را مطرح کنم که حاصل هیجان حسی، احساس جراحت میهن دوستانه باشد. در عین حال قطعاتی از پازل این بحران هنوز غایب بود و در آغاز به سر می برد. بر این اساس هر تحلیل عجولانه ای می توانست تأثیر معکوس داشته باشد، به تمام این دلایل است که سعی کردم تعادل خودم را حفظ کنم، به ویژه در این دوران سختی که کشور ما گرفتار آن شده است.

در واقع، پس از توافق نامه ای که اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای غربی به تاریخ ۶ اپریل ۲۰۱۲ امضاء کرد، تحریم های جنایتکارانه علیه مردم «مالی» برداشته شد ولی ویرانیهایی که به بار آورد جبران ناپذیر است. انقلاب ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ جنایات سیاسی و اقتصادی طبقه حریص سیاسی نظامی «مالی» را که طی ۲۰ سال سرنوشت کشور را در دستهایشان داشتند، مثل روز آشکار کرد. بی گمان ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ آغاز دوران نوینی در زندگی اهالی «مالی» خواهد بود و مردم دیگر تماشاگر منفعل سرنوشت خودشان نخواهند بود، و برای به قدرت رساندن نمایندگان قانونی و اصیل مبارزه خواهند کرد. سالهای آینده «مالی» طبقه سیاسی نوینی از زنان و مردان را به خود خواهد دید که با مسؤولیت راستین به منافع مردم اندیشیده و در راستای حفاظت از آن عمل خواهند کرد. ضایعاتی که «مالی» پیش از ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ به خود دید، بی گمان نام آن باید همانا بی اعتنائی هائی باشد که اکنون ما را در این وضعیت قرار داده است.



با اشغال شمال توسط جنبش رهائیبخش «ازواد»، تروریستها، آیا مردم شمال «مالی» به سیاستمداران جنوبی به اندازه کافی اعتماد خواهند کرد که هرگز به شکل عینی مسأله قوم طوارق را مورد بررسی قرار نداده است. بی گمان وضعیتی که در شمال به وجود آمده تأثیرات بی بدیلی برجا خواهد گذاشت، و مردم شمال «مالی» پی خواهند برد که تنها می توانند روی خودشان حساب کنند، زیرا شکست سیاستمدارانی که کشور را فروخته اند شگفتی آور است. به همین علت، باید قویاً مسؤولیت چنین وضعیتی را پذیرفت و به دولت قدرتمندی نیازمند هستیم که با تمام مردم «مالی» به شکل یکسان و برابر رفتار کند. بر اساس گزارشات برخی دوستان ما در «گاو» که توسط جنبش رهائیبخش «ازواد» اشغال شده، ادارات چپاول شده، فروشگاه ها و بانک به تاراج رفته، و به زنان نیز توسط شورشیان طوارقی تجاوز شده است. چگونه می توانند مدعی شوند که کشوری را که در چنین خشونت‌های بی سر می برد آزاد کرده اند؟

### در سطح بین المللی

در عین حال این بحران نشان داد که «مالی» دوستی ندارد، نه ایالات متحده، نه فرانسه و نه حتی روسیه و چین انگشت کوچکشان را نیز برای نجات «مالی» حرکت نخواهند داد. مالی به ناگاه از خواب بیدار شده و باید به تنهایی با سرنوشت خود رویارویی کند.

### در سطح منطقه‌ای

اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای جنوبی به فرمان ایالات متحده و فرانسه می خواهد برای حفظ تمامیت ارضی مالی نیروی نظامی بفرستد. ولی تاریخ به ما آموخته است که نیروهای خارجی همیشه دیر یا زود به نیروی اشغالگر تبدیل شده است.

در واقع، ساده انگارانه خواهد بود که ما تصور کنیم که نیروهای اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای غربی بیایند و برای «مالی» بمیرند. به همین گونه رئیس جمهور ساحل عاج «السن کاتارا» می خواهد مبارزان قدیمی اش را که در بی کاری به سر می برند، به خدمت بگیرد. «مالی» باید در این مورد هوشیار باشد و باید با مداخله نیروهای اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای غربی مخالفت کند. اگر اتحادیه اقتصادی کشورهای افریقای غربی می بایستی در رابطه با «مالی» نقشی ایفاء کند، این نقش صرفاً باید سیاسی باشد تا «مالی» از بحران بیرون بیاید. بر این اساس فکر می کنم که به عهده خود «مالی» خواهد بود که به شکل سیاسی و نظامی شمال کشور را باز پس بگیرد.

در نتیجه و در فراسوی تمام مطالبی که مطرح کردیم، راه حل مسائل «مالی» باید از طریق داخل حل شود و نه از طریق مداخله خارجی... به هر قیمتی شده با وجود تمام وضعیت بحرانی و مشکلاتی که مردم «مالی» با آن روبه رو هستند، باید مسائل «مالی» را خود «مالی» ها حل کنند در غیر این صورت تأثیر معکوس و منفی به وجود خواهد آورد.

هر راه حل خارجی شاید در کوتاه مدت تأثیراتی داشته باشد ولی در دراز مدت تأثیرات منفی خواهد داشت، که دیر یا زود خودش را نشان خواهد داد. چنین امری به عهده «مالی» ها خواهد بود که با یک دیگر گفت و گو کنند تا هرگز چنین وضعیتی در کشور ما و به همین گونه در تمام افریقا تکرار نگردد.

(<sup>1</sup>Iyad Ag Aly

(<sup>2</sup>Mouvement National de Libération de l'Azawad

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۰ جنوری ۲۰۱۳

مالی در التهاب دردناک :

بررسی توسط تاهيرو و باه

[Bah Tahirou](#)

۱۸ اپریل ۲۰۱۲

Investig'Action

la voix des sans-voix :Dossier Mali

(بخش دوم در گاهنامه هنر و مبارزه)

برگردان از: حمید محوی

<http://www.michelcollon.info/Le-Mali-dans-la-tourmente-mise-au>

Article en PDF